

از وقتی اولین تریلر انیمیشن سینمایی «روح» منتشر شد، با یکی از بحث برانگیزترین فیلم‌های سال روبه‌رو بوده‌ایم. فیلمی انیمیشنی که قرار است درباره دنیای کودکان باشد، اما شخصیت اول داستانش یک مرد میان سال و سیاه پوست است و قصه‌اش حول محور فلسفه زندگی می‌چرخد و چندان تناسبی با این پیش فرض ندارد. باین وجود، نام بیت داکتر به عنوان کارگردانی که به خوبی موفق شده بود در انیمیشن «درون-بیرون» گذار از دوران کودکی به نوجوانی را از منظر احساسات متناقض ذهنی به تصویر بکشد، هر چیزی را امکان پذیر می‌کرد و امیدواری به فیلم زیاد بود. سرانجام ۲۵ دسامبر ۲۰۲۰ و در آستانه سال نو، «روح» از طریق شبکه دیزنی پلاس منتشر شد و سرانجام می‌توان درباره نتیجه کار اظهار نظر کرد. به همین دلیل مستقیم می‌رویم سراغ «روح» پیکسار!

داستان انیمیشن

جو کاردرن در میان سال آموزگار موسیقی در مدرسه‌ای محلی در نیویورک است. او که از نوجوانی عاشق موسیقی جاز شده و هدفش رادر زندگی موفقیت در عرصه موسیقی تعریف کرده است، چندان از جایگاهش راضی نیست. به نحوی که وقتی خبر تصمیم مدیر مدرسه برای استخدام رسمی خود را می‌شنود، به جای خوش حال شدن، احساس می‌کند پایبند خواهد شد و از اهداف خود در زندگی بازمی‌ماند. در این اوضاع است که یکی از شاگردان قدیمی پیشنهاد همکاری با دوروتی ویلیامز، نوازنده مشهور جاز، را ارائه می‌کند. بلافاصله آزمون می‌دهد و قبول می‌شود. او که از شادی در پوست خود نمی‌گنجد، حواسش به دوروبرش نیست و دچار حادثه می‌شود. او خودش رادر زندگی پس از مرگ پیدا می‌کند، اما چون احساس می‌کند زندگی‌اش تازه شروع شده است، همه سعیش را برای بازگشت به زندگی به کار می‌گیرد و برخلاف جهت ارواح، وارد عالم پیش از زندگی می‌شود. آنجا با روحی به نام ۲۲ آشنا می‌شود که حاضر نیست وارد عالم زنده‌ها شود. کشمکش‌های این دو مفاهیم جدیدی از زندگی را پیش چشم هردو قرار می‌دهد.

کارگردانی که ایده‌هایش بکر بود

یکی از مهم‌ترین رمزه‌های موفقیت بیت داکتر در ۲ فیلم برجسته‌اش، یعنی «کارخانه هیولاها» و «درون-بیرون»، جدا از جذابیت‌های داستانی و شخصیت‌ها، بکر بودن ایده اولیه و مسحورکنندگی آن بود. در فیلم اول ترس کودکان از هیولای درون گنجه وزیر تخت دستاویزی برای تعریف یک دنیای جدید کودکانه قرار گرفته بود. هیولاها در دنیایی موازی با آدم‌ها زندگی می‌کردند و منبع اصلی انرژی‌شان ترس و وحشت و جیغ کودکان بود. بنابراین شب‌هنگام از گنجه وزیر تخت عازم ترسندن بچه‌ها می‌شدند تا اینکه اشتباهی یک بچه از در گنجه عبور می‌کند و وارد دنیای هیولاها می‌شود. حالا سالیوان که هیولای اصلی قصه است، نقش پدری را برای این کودک برعهده می‌گیرد و به تدریج با خصایص قبلی خود بیگانه می‌شود. در «درون-بیرون» هم برای اولین بار بیت داکتر ما را از منظر احساسات ذهنی دختری به نام رایلی درگیر بحران روحی عبور از دوران کودکی به نوجوانی می‌کند.

به این ترتیب بیت داکتر در کارنامه فیلم‌سازی خود مسیر و دغدغه‌های درستی را پی گرفته و هم‌راستا با فیلم‌هایش رشد کرده است. یعنی ابتدا به دوران کودکی و رابطه پدر و فرزند پرداخته است. در فیلم بعدی‌اش به سراغ مفهوم نوجوانی و رشد شخصیت رفته است و در سومین گام، در «روح» به واکاوی بزرگ‌ترین سؤال بشریت، یعنی جرابی زندگی، پرداخته است. در این راه ۲ ایراد عمده نسبت به فیلم‌های قبلی او دیده می‌شود.

بکر نبودن

برخلاف ۲ فیلم قبلی، «روح» به هیچ عنوان ایده بکری ندارد، بلکه از ۲ فیلم کریمسی مشهور و ام‌گرفته است. اول داستان مشهور «اسکروچ» که پیرمرد خسیسی است که در شب سال نو ۳ روح به سراغش می‌آیند و بارانمایی او، باعث می‌شوند نگاهش به زندگی تغییر کند. دوم فیلم بسیار زیبا و کلاسیک «چه زندگی شگفت‌انگیزی است» ساخته فرانک کاپرا درباره جوانی به نام جرج بیلی است که در آستانه سال نو فکر می‌کند زندگی خود را تلف کرده است و قصد خودکشی دارد. فرشته‌ای از راه می‌رسد و به جرج بیلی نشان می‌دهد که اگر او هرگز زاده نشده بود، چه سرنوشتی در انتظار نزدیکان او بود. در هر سه این فیلم‌ها مضمون اصلی قصه، بازنگری در مفهوم زندگی است. انتخاب تاریخ ۲۵ دسامبر نیز مهم‌ترین نشانه ارجاع به این فیلم‌هاست. زیرا در دل فیلم هیچ ماهیت کریمسی دیده نمی‌شود و «روح» می‌توانست هر زمانی از سال راهی پرده شود.

مخاطب‌شناسی

در همه انیمیشن‌های پیکسار تا کنون تمرکز بر مخاطب کودک و نوجوان قرار داشت، اما فیلم به نحوی ساخته و پرداخته می‌شد که برای پدر و مادرهایی که بچه‌های خود را به سینما می‌آوردند هم جذابیت‌هایی وجود داشته باشد. این رویه در همه فیلم‌های پیکسار رعایت شده است، اما «روح» نخستین فیلمی است که برای مخاطب بزرگ سال ساخته شده است و هیچ جذابیتی برای مخاطب کودک ندارد. مفاهیمی مثل مرگ و دنیای پس از مرگ با روزمرگی در زندگی چندان ارتباطی با دنیای کودکانه ندارد، به ویژه که شخصیت اصلی قصه هم یک مرد میان سال باشد. دیالوگ‌هایی نظیر «اینجانی تونی روح کسی رو له کنی. این کار وظیفه زندگیه». با وجود نوبغ آمیز بودن، هیچ نقطه وصلی با دنیای کودکان ندارد. بنابراین با انیمیشنی طرفیم که برای مخاطب بزرگ سال ساخته شده است. بنابراین به عنوان یک فیلم بزرگ سالانه، باید به نقاط قوت و ضعف آن پرداخت. البته «روح» نقاط قوت جدی هم دارد.

چند روز نمره یافو تمجید
بسیار قشنگ تر یافو آخرین
آئید انیمیشن پیکسار، کم‌کم
سرو و کله نقد‌های جدی به
محتوای شعاری آخرین
ساخته بیت داکتر هم پیدا
شده.

ش
ان
فر
ع
نو
ص
نب
پل
ب
به
س
ای
دو

